

نقدی بر جامعه‌شناسی بلوچستان

محمدحمید طوقی

آیا در جامعه مطالب علمی و جامعه‌شناسانه وجود دارد که بتوان آنها را تجزیه و تحلیل کرد؟
جواب این سؤال و سؤالاتی از این قبیل را باید روشنفکران دریابند و قدرت تفکر و اندیشه خود را بارور کرده و آنرا از قوه به فعل در آورند.
آنچه تاکنون در جامعه، حاکم بوده است خودگویای علمی‌ترین کار جامعه‌شناسی است که باید دست توانمندی آنرا به منصفه ظهور برساند.

هیچ جامعه‌ای خالی از خرد فرهنگ - پاره فرهنگ - فرهنگ‌های مادی و معنوی نبوده و نیست و به تبع آن، جامعه بلوچستان خالی از آداب و رسوم، سنن و دیگر مراسم نبوده و نیست، پس می‌طلبد به این موضوع بصورت کارشناسی پرداخت. چرا از بین این همه موضوعات مختلف در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اداری و امنیتی و غیره - به موضوع «نقدی بر جامعه‌شناسی بلوچستان» اکتفا شد.

آری چه باید کرد؟

به عقیده نگارنده چه باید کرد؟ واژه بسیار جالبی است به دلایل گوناگون:

- ۱- چاره ساز دردهای گوناگون حاکم بر جامعه می‌باشد.
- ۲- نسخه‌های گوناگونی را تاکنون بصورت آزمون و خطا تجربه کردند.
- ۳- با پیچیدگیهای سلسله عوامل اجتماعی که حاکم بر جامعه بوده سلیقه‌های مختلف اعمال شد؟
- ۴- آیا افراد جامعه می‌توانند خود را در مباحث مختلف بشری دخالت دهند چگونه و به چه طریق پس به ناچار سراغ چه باید کرد رفت؟
- ۵- آیا افراد جامعه میتوانند راهکارهای علمی و عملی را

اگر جامعه بلوچستان را با مجموعه تنوع‌گوش‌ها از شمال گرفته تا جنوب از سر حد گرفته تا مکران مطالعه و مجموعه فرهنگ آن به معنای آداب و رسوم و سنن مطالعه کنند و یک تحقیق کارشناسی، علمی و جامعه‌شناسانه انجام دهند، بوضوح در خواهند یافت آنچه که تاکنون نگاشته شده است بطور قطع و یقین حق مطلب ادا نشده است.

آری اگر مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مردم بلوچستان نوشته ایرج مهدویان که از انتشارات پیوند در سال ۱۳۵۲ منتشر شده است مطالعه شود خواننده اگر اطلاعات دقیقی از مجموعه مسائل جامعه‌شناسی بلوچستان داشته باشد این موضوع تداعی ذهن او خواهد شد که جامعه‌شناسی بلوچستان همین است که نویسنده آن را نگاشته یا خیر؟!

اگر جامعه‌شناسی بلوچستان را آنگونه که مهدویان به رشته تحریر در آورده است تصور کنند دیگر فاتحه آنچه که تاکنون بر جامعه حاکم بوده است به باد فراموشی سپرده و جامعه تبدیل به جامعه‌ای توخالی از آنچه که به عنوان فرهنگ مادی و معنوی خواهد شد یعنی این جامعه تهی از فرهنگ‌های مادی و معنوی بوده است.

اینجاست که روشن میشود تحقیقات، علمی و کارشناسانه نیست.

امروز شاید جای سؤال و ابهام برای عده‌ای خاص باشد که جامعه بلوچستان را می‌توان در یک قالب علمی و کارشناسی دقیق مورد مذاقه قرار داد؟

آیامی‌توان در جامعه مجموعه تنوع فرهنگ، آداب، رسوم، سنن و غیره را کنکاش کرد تا اینکه بتوان کار علمی را به پایان رساند؟

برای نیل به حل مشکلات ارایه نمایند باز بر می‌گردیم به چه باید کرد؟

۶- جامعه‌شناسی موضوع بکری است که باید با سؤال چه باید کرد روشنفکران موضوعش را آغاز کنند.

۷- چه باید کرد سؤالی است که روشنفکران در کلیه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اداری با آن روبرو هستند.

۸- چه باید کرد واژه‌ای است که همه افراد را به چالش وادار می‌نماید.

بنابر این مشکلات یکی، دو تا نیستند که بتوان خیلی سریع حق مطلب را ادا کرد ولی اگر افراد می‌خواهند قلم فرسایی کنند حداقل حق مطالب را آن گونه که هست، ادا نمایند نه این که آنگونه که می‌خواهند باشد.

جامعه‌شناسی علمی است که ما را به گذشته متصل می‌کند زیرا مجموعه ارزشهای حاکم بر فرهنگ یک جامعه بوسیله جامعه‌شناسی قابل تبیین و بازیافت می‌باشد و همچنین تکیه گاه نسل فردای این مردم می‌باشد که هویت اجتماعی را در جامعه پیچیده امروزی جستجو می‌کنند، زیرا هر زمان یک قوم نتواند هویت اجتماعی خود را بدست آورد، بزرگترین مشکل را برای قوم و نسل فعلی و آینده خود بوجود می‌آورند.

مشکل اصلی و اساسی همان «بی‌هویتی» است که خود را بیگانه از خود قلمداد می‌کنند در واقع به مثابه درختی است که ریشه‌اش را خشکانده‌اند نتیجه همان است که می‌دانید (الیناسیون).

هر گاه فرد یا افرادی در جامعه خود را از گذشته شان جدا کنند و یا القائات جداگونه حاکم کنند و تافته‌ای جدا بافته ارایه دهند در زندگی اجتماعی ایجاد گسل و شکاف نمایند به یقین نه تنها خدمتی برای جامعه ننموده‌اند بلکه خیانت می‌کنند.

و از طرف دیگر افراد جامعه نتوانند شکافهای موجود خود و فرهنگ واقعی خود را شناسایی کنند و بدان پای بند نباشند احساس بیگانگی و از خود دور شدن را به ارمغان خواهند آورد نتیجه این کار حل شدن در فرهنگ‌های بیگانه که همانا بسیار مضر و خطرناک برای جامعه از جهت همگرایی با فرهنگ کلان مملکت با مؤلفه‌های گوناگون آن

است.

از مؤلف محترم انتظار می‌رفت فرهنگ جامعه بلوچستان که همانا فرهنگی بسیار غنی و پر بار می‌باشد آن گونه که حقش بود به رشته تحریر در می‌آورد.

عزیزان خواننده فرهنگ هر جامعه‌ای و به تبع آن فرهنگ جامعه بلوچستان بسیار جذاب و شیرین است. جالب‌تر از همه حکایت‌ها و موضوعات گوناگونی را در دل خود جای داده است. پس بنابراین موضوع به اشاره رفته را هرگز با سطح سوادآموزی و بی‌سوادی جامعه که خود دارای شاخص‌ها و پارامترهای گوناگونی است یکسان قلمداد ننمایند.

این دو موضوع کاملاً متمایز از یکدیگر هستند که متأسفانه واژه فرهنگی همیشه غلط مصطلحی بوده است که غالب بر واژه بی‌سوادی بوده است.

فرهنگ بلوچستان آن گونه که اشاره شد دارای ریشه‌های مادی و معنوی بسیار زیادی است که خود جای بحث طولانی و عمیق را دارد و کسانی که بخواهند به ژرفای موضوع بیندیشند بدان واقف خواهند شد.

اگر به عمق جامعه‌شناسی بلوچستان اندیشیده شود پارامترهای زیادی وجود دارد که حاکی از جامعه‌ای مستحکم و قانون‌مند را تداعی می‌کند. جامعه‌ای که سالیان سال توانسته است بر پایه مجموعه قوانین محلی و شعایر دینی و اسلامی خود پای بند و ضمانت اجرایی بخود گرفته است و هرگز خود را نه تنها از مؤلفه‌های کلان مملکت دور نساخته بلکه ایجاد همنوایی ساخته است.

اما راه دسترسی به این پارامترها چگونه و به چه طریق است باید در تفکرات مردم کنکاش و جستجو کرد و تحقیقی وسیع و علمی را باید انجام داد تا به این مهم دسترسی پیدا کرد.

خلاصه کلام این که کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مردم بلوچستان که در ۱۴ صفحه به رشته تحریر در آمده است نمی‌تواند و نتوانسته است مطالب را آنگونه که شایسته فرهنگ این مردم از فلات عظیم ایران را در اذهان و افکار عمومی حلاجی دقیقی و نهایتاً بازتاب وسیعی را در جامعه ایجاد کند. باشد انشاء الله روشنفکران متعهد و دلسوز با همگرایی با فرهنگ کلان مملکت قدمی بردارند و قلمی بلند نمایند.../